از حق اعتصاب زحمتکشان با قهر انقلابی پاسداری کنیم

تعرض وسیع و متشکل نیروی کار سرانجام به توطئه سکوت مزورانه رژیم پایان داد. ماسک دروغین دموکراسی ادعائی او را درید، و کوشش مفتضحانه‌اش را در سرکوبی اعتصاب و جلوگیری از پخش خبر ان در هم شکست. مشت درشت مبارزه را از پایگاههای کارگری نشان داد و این امید را بر پیشانی خونین پرچم مبارزات توده‌ها درخشاند، که خاک بارور کنار، برای رشد بذر تناور انقلاب خود را اماده کرده است.

تسخیر کارخانجات و تبدیل ان به دژ تعرضی کار - در شرایطی که مبارزات حق طلبانه توده‌ها هر روز اشکال تازه میگیرد و وسعت نبرد، دانش قهر توده‌ها را کمال میبخشد - ابدیدگی و عمق نفرت زحمتکشان خلق و دلسپاری انها را بوظایف حساس و تاریخی خود، نشان میدهد. شاه جلاد که سالها جز تازیانه، منطقی و جز فقر حاصلی، برای توده‌های زحمتکش نداشته است هر روز که خشم توده‌ها رزمنده‌تر به هستی او میتازد، و موریانه وحشت پایه پوسیده قدرت او را سریعتر می جود، درمانده‌تر از قصاص بی ترحم انقلاب، شیوه‌های کثیف حکومت خود را به تماشا میگذارد. کشتار میکند، و به سوگواری میپردازد! قانون میشکند، و به قانون پناه میبرد! وبا فرومایگی بیشرمانه‌ای تجاوزات اشکار خود را بحقوق حقه "کار" سرپوش مینهد، و به تملق از زحمتکشان میپردازد.! جلادی که در سایه غارت خلق از وطن، چراگاهی گسترده برای اربابان سرمایه فراهم کرده است، و روزی نبوده است که به بهانه افزایش سود سرمایه، و جلوگیری از ضایعات بکارخانه نتازد، و از خون رایگان کار ورم نکند؛ به روستا شبیخون نزند، و دسترنج ناچیز دهقانان را تصاحب نکند؛ به دانشگاه و مدارس حمله نبرد، و صدای دانش را بخون نکشاند؛ و برای هر حرکت حق طلبانه اجتماعی توطئه نچیند؛ اکنون که خلق فرهنگ انقلابی نبرد مسلحانه را بازیافته است و دلیرانه هر قهر ضد خلقی را با قهر توده‌ای پاسخ میدهد، فلاکت گریز خود را از کارخانه، از روستا، از دانشگاه و از هر حریم اجتماعی دیگر با وقاحت به ازادی کرامت شده! نسبت میدهد. مدیحه گوی "ارامش" میشود! وبرای رفاه عمومی و استقرار "دموکراسی" اشک تمساح میریزد! تا از بیان این حقیقت طفره رود، که خلق هر ازادی اجتماعی را بدنبال، تسخیر خیابانها، کوچه‌ها، "محدوده‌ها" و "خارج محدوده‌ها" و جانشین کردن قهر خود بجای قهر سرکوبگر پلیس شاه، باز گرفته است. و نه از کرامت قانونی!

بی حافظگی جلاد اما، از معلق زنی بوزینه وار اوست؛ وگرنه، خود میداند، هیاهوی مفتضح "ازادی شاهی" به هنگامی نقاره‌زنی میشود که خلق توانسته است با اتش زدن شبرداریها ازادی خانه سازی را، با فریاد "مرگ بر شاه" ازادی بیان را، و با نوشتن اعلامیه‌ها و شبنامه‌ها، ازادی قلم را، تحمیل کند. ان ازادی‌ها زمانی بدست امد که خلق با جانبازی و قهرمانی همه نابلوهای ممنوع و قوانین ممنوع ضد خلقی رژیم را تف کرد و با اشتی ناپذیری، راه را بر هر نوع فریب و خدعه بست.

این سلاح زحمتکشان نیز، زمانی در نقاره‌خانه‌های خبری جلاد تثبیت و قانونی میشود که پیکار رژیم بر اندازشان قلمهای مدیحه گوی دربار را سراسیمه میشکند و به تملق خلق وامیدارد. اگر حق اعتصاب - که تا دیروز بعنوان خائنانه ترین اقدام زحمتکشان تلقی میشد و با درندگی سرکوب میگردید - امروز انکار نمیشود. اگر اعتصاب کنندگان - که تا دیروز با شکنجه و اعدام و بی خانمانی تهدید میشدند - امروز به "گفتگوی دوستانه" دعوت میشوند! بی تردید حاصل اتحاد ملیونی خلق زحمتکش است. اتحادی که خود بدنبال تعرض قهری به همه جلوهای ننگین رژیم ضد خلقی - ضد کارگری شاه بدست امده است. و بس. و گرنه جلادی که امروز از وحشت، اعتصاب کننده‌گان را نه بعنوان "خائنین"، "وطن فروشان"، "اخلالگران"

بلکه بعنوان "اعتصابیون" از دستگاههای خبری خود معرفی میکند و خواستهای آنها را با عوامفریبی در لفافه نامههای خود نشر و برآورد میکند . در صورت دستیابی مجدد به فرصت از هیچ جنایتی روی نخواهد گرداند . هنوز از بگلوله بستن کارگران اعتصابی کارخانه "جهان چیت" و بشهادت رساندن ۲۱ نفر از آنان بیش از چند سال نمی گذرد . هنوز از قتل عام ۱۹ هزار نفری "جمعه سیاه" چند روزی بیش نمی گذرد . هنوز خون شهیدان بر در و دیوار شهر خشک نشده است . هنوز دسته گلهائی که خلق با سادگی کودکانهای نثار ارتش شاه کرده بود از زنجیر چرخ تانکها رها نشده است . این دیگر تردیدی نیست که در صورت فرصت - بختی به نظام جلاد پرور حاکم ، کلام نخست او در مرحله بعدی به خواستها و مطالبات زحمتکشان باز هم گلوله است . این دیگر جای هیچ تردیدی نیست که اخرین گام رژیم در عقب نشینی هایش ، توسل به رگبار مسلسلهای خریداری شده از انحصارگران غارتگر خارجی است . امروز کارگران اعتصابی ، امروز زحمتکشان اعتصابی ، عقب نشینی های رژیم را مدیون تعرض خود هستند . مدیون مبارزات اعتی ناپذیر و قهری خود هستند . و امروز اعتصاب مدیون همسوئی با جنبش نوین انقلابی مسلحانه است . امروز خواستهای صنفی بدنبال پیروزیهای سیاسی ، پیروزیهای سیاسی بدنبال پیروزیهای قهری و نظامی بدست آمده است . طبقه کارگر ایران اینک در استانه دورانسازترین لحظات تاریخی خود ایستاده است . و رسالت او در گرو چنین تشخیص بموقع و تاریخی است که دستاوردهای کوچک وبزرگ جنبش در این مرحله ، فقط مدیون تعرض توده‌ها بوده ، و حفظ و گسترش آنها ، مشروط به ادامه و اعتلای این تعرض است . خلق ستمدیده و طبقه کارگر ما نیک آزموده است که مطالبات "محترمانه" تقاضاهای "قانونی" ، عجز و التماسها ، عریضه های چاپلوسانه ، چیزی جز ادامه "بردگی قانونی" او نیست . خلق و طبقه کارگر ما نیک میداند که این قانون از اساس تجاوز شده ، فقط حافظ باجگیران رژیم ، یادوان دولتی و متنفذین کلان سرمایه دار است . وقانون واقعی ما گستن چنین بردگی قانونی است . "بردگی که از هیچ وسیله "قانونی" برای اسارت زحمتکشان ابا نمی کند" . کوچکترین توقع رستگاری از چنین رژیم خود فروخته که خود مسبب واقعی همه فلاکت های اجتماعی ماست - خوشبندار ی محض است . مادامکه همه مواضع سرکوب و بهره کشی رژیم زیر پای زحمتکشان لگد کوب نشده است ، مادامکه این صلای متعرض ، مسلح ، و انقلابی را باید توامان هر شعار و هر خواسته بحق اجتماعی - سیاسی - اقتصادی در داده ، که "مرگ بر رژیم دیکتاتوری شاه ، مزدور امپریالیسم امریکا" . و تا تحقق این پیروزی و ایجاد حکومتی که از مفاهیم بشری کار و عدالت کارگری حاصل شده باشد ، پیشاپیش جنبش توده‌ها و مدوشا دوش پیشتازان مسلح انقلابی ، فداکار و سرفرازتر از همیشه مبارزه کرد .

از حق اعتصاب زحمتکشان با قهر انقلابی پاسداری کنیم
گسترده تر باد مبارزات حق طلبانه کارگران
رزمنده تر باد نبرد مسلحانه ، تنها راهگشای مبارزات خلق ایران
مرگ بر رژیم شاه و حامیان امپریالیستش
مبارزین هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق

۵۷ / ۷ / ۱۴

CISNU
Postlagerkarte A-011679
6000 Frankfurt/Main 60
West Germany
کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی